

عشر ۱۹۰

بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز
سال پانزدهم | ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۴

هفته نامه فرهنگی، سیاسی
اجتماعی، اقتصادی، دانشجویی

مکانیسم ماشه حاصل
ترکمن چای جدید



صهیونیست در قرآن

می توانیم بگوییم دو دیدگاه درباره صهیونیست وجود دارد دیدگاه اول صهیونیست یا همان دشمن بشریت پدیده ای سیاسی، نظامی و حداکثر اقتصادی است که طول تاریخی آن نزدیک به یکصد و پنجاه سال و عرض جغرافیایی آن فلسطین اشغالی و سرزمین های اطراف آن است. در نگاه دوم علاوه بر اینکه صهیونیست پدیده ای سیاسی و نظامی است، پدیده ای عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی هم هست که طول تاریخی آن بیش از دو هزار سال و عرض جغرافیایی آن فراتر از فلسطین و خاورمیانه است. نگاه سطحی نگر تمامیت صهیونیسم را در رژیم اشغالگر فلسطین می بیند و نگاه جامع، این رژیم را تنها یکی از مظاهر صهیونیسم و در واقع بخش آشکار و جلوی چشم این پدیده می بیند. در نگاه اخیر صهیونیسم، عنوانی است جدید بر مکتب و مرامی که سابقه طولانی دارد.

مکتبی که قرآن کریم با عنوان «یهودیت» از آن یاد کرده است و البته روشن است که هیچ نسبتی هم با حضرت موسی علیه السلام یا حضرت داوود علیه السلام و یا هم حضرت سلیمان علیه السلام و پیروان واقعی آن ها ندارد.

قرآن کریم شدیدترین دشمن مومنان را یهودیان معرفی کرده است (سوره مائده آیه ۸۲) و آن ها را حریص ترین مردم به زندگی دنیا خوانده است. (سوره بقره آیه ۹۴) و از آن ها به عنوان کسانی که سده کننده راه خدا (یصدون عن سبیل الله) هستند یاد کرده است. کتاب الهی، تلاش یهود را فساد در زمین بیان کرده (سوره مائده آیه ۶۴) و تحریفگری، مکر و نقص پیمان را از ویژگی های آن ها برشمرده و در سوره اسرا با قاطعیت، برتری جویی بزرگ بنی اسرائیل را در آخرالزمان پیشگویی کرده است! خلاصه اینکه در میان اقوام و ملل، سرگذشت قوم یهود و بنی اسرائیل و بیان ویژگی های آن ها، بیشترین تعداد از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است.

با این توصیف ها، می توان تلقی سطحی نگری از صهیونیسم را حاصل غفلت مسلمان ها از آیات قرآن کریم بدانیم.

سر مقاله

تأثیرات اقتصادی «مکانیسم ماشه»؛ فشاری سنگین یا یک شوی تبلیغاتی؟

بحث فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» بار دیگر به یکی از موضوعات جنجالی در عرصه‌ی اقتصادی و سیاسی کشور تبدیل شده است. سه کشور اروپایی، در هماهنگی با سیاست‌های آمریکا، بازگشت تحریم‌های تعلیق‌شده‌ی سازمان ملل را عملی کرده‌اند و همین مسئله زمینه‌ساز نگرانی‌هایی در افکار عمومی شده است. پرسش‌هایی نظیر توقف فروش نفت، بسته شدن راه‌های صادرات یا اعمال فشارهای تازه بر نظام بانکی ایران، به‌طور گسترده در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مطرح شده‌اند. با این حال، بررسی‌های میدانی و تحلیل‌های کارشناسان نشان می‌دهد که بخش زیادی از این نگرانی‌ها، بیش از آن که ریشه در واقعیت اقتصادی داشته باشد، جنبه‌ی روانی دارد.

سید مصطفی موسوی‌نژاد، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگویی تأکید کرده است که آنچه از «مکانیسم ماشه» بر اقتصاد ایران مترتب می‌شود، تقریباً هیچ است. او توضیح داده که مفاد قطعنامه‌ها اساساً به حوزه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی مربوط می‌شوند و در آن‌ها اشاره‌ای به نفت، بانک، یا دیگر حوزه‌های تجاری نشده است. بر اساس این تحلیل، اگر آثار واقعی این سازوکار را بسنجیم، تنها انتظارات روانی و موج‌های کوتاه‌مدت در بازارها شکل می‌گیرند؛ موج‌هایی که در صورت مدیریت نادرست، می‌توانند پیامدهایی فراتر از اصل قطعنامه‌ها ایجاد کنند.



شواهد تاریخی نیز همین نکته را تأیید می‌کند. تجربه‌ی ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که پس از صدور قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها کاهش نیافت، بلکه روندی افزایشی را طی کرد. حتی در بخش نفت، آمارها بیانگر حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی است. تنها از سال ۱۳۹۱ به بعد، با اعمال تحریم‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، شاخص‌های کلان اقتصادی دچار

افت جدی شدند. در حوزه‌ی تجارت نیز شرایط مشابهی برقرار بود؛ مبادلات خارجی ایران همچنان رو به افزایش بود تا زمانی که واشنگتن و بروکسل اقدامات سخت‌گیرانه‌ی خود را آغاز کردند. این سابقه نشان می‌دهد که «مکانیسم ماشه» به‌خودی‌خود توان ضربه‌زدن مستقیم به اقتصاد ایران را ندارد.

ادعای قطع ارتباط با چین و روسیه نیز در همین چارچوب، مورد تردید جدی قرار گرفته است. موسوی‌نژاد یادآور می‌شود که حتی در سال‌هایی که پکن و مسکو به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی داده بودند، حجم تجارت دو کشور با تهران رو به رشد بود. در شرایط کنونی، که چین و روسیه به‌صراحت با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل مخالفت کرده‌اند، زمینه‌ی همکاری بیش از گذشته فراهم است. این موضوع بیانگر آن است که در فضای واقعی تجارت بین‌المللی، روابط اقتصادی ایران با شرکای شرقی

همچنان ادامه‌دار خواهد بود.

بخش خصوصی نیز دیدگاهی مشابه دارد. فعالان اقتصادی بارها در گفت‌وگوهای اخیر تأکید کرده‌اند که تأثیر عملی «مکانیسم ماشه» ناچیز است. صدرالدین نیاورانی، نایب‌رئیس کمیسیون توسعه‌ی صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی، معتقد است اثر روانی این سازوکار را نمی‌توان انکار کرد، اما بزرگ‌نمایی آن نیز منطقی نیست. مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، نیز تصریح کرده است که بخش خصوصی سال‌هاست با شرایط تحریم کامل بانکی و تجاری کار می‌کند و فعال شدن ماشه تغییر تازه‌ای ایجاد نمی‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که بیشترین بار ناشی از این تحولات، بر فضای روانی و انتظارات تورمی سنگینی می‌کند تا حوزه‌ی واقعی تولید و تجارت.

مقام‌های دولتی نیز با اطمینان بیشتری به این تحولات نگریسته‌اند. وزیر نفت تأکید کرده است که فروش نفت همچون گذشته ادامه دارد. وزیر راه و شهرسازی نیز، با اشاره به تجربه‌ی مدیریت حمل‌ونقل در شرایط بحرانی اخیر، اعلام کرده است که تمهیدات لازم برای استمرار تأمین کالا و خدمات اندیشیده شده است. این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که دستگاه اجرایی کشور برای مواجهه با فضای تازه، برنامه‌های مشخصی دارد.

باین حال، ماجرای «مکانیسم ماشه» درسی مهم برای اقتصاد ایران دارد. تکیه‌ی صرف بر مذاکره و گره‌زدن سرنوشت اقتصاد به تحولات سیاسی خارجی، در سال‌های گذشته بارها کشور را با چالش مواجه کرده است. تجربه‌ی دولت سیزدهم نشان داد که با تمرکز بر خنثی‌سازی تحریم‌ها و پرهیز از شرطی کردن اقتصاد، می‌توان رشد اقتصادی را احیا کرد. آمارهای رسمی نیز حکایت از رشد مثبت تا پنج درصد در همان دوره‌ی کوتاه دارد، درحالی‌که امروز و در شرایط بازگشت به سیاست‌های مذاکره‌محور، شاخص‌های اقتصادی دوباره منفی شده‌اند.



بر اساس گزارش مرکز آمار، اقتصاد ایران در بهار ۱۴۰۴، پس از ۱۷ فصل رشد مثبت، با رشد منفی یک‌دهم درصدی مواجه شده است. افت تولید در بخش‌های کشاورزی و صنعت، کاهش سرمایه‌گذاری، و کاهش قدرت خرید خانوارها، زنگ خطری جدی است که نشان می‌دهد ضعف‌های ساختاری و وابستگی بیش‌ازحد به بیرون، تهدیدی پایدارتر از «مکانیسم ماشه» است.

بنابراین، تحلیلگران معتقدند مسیر پیش‌روی دولت چهاردهم باید بر تکیه بر توان داخلی، فعال‌سازی ظرفیت‌های تولیدی، همکاری با کشورهای همسو، و مدیریت دقیق جو روانی استوار باشد.

در نهایت، «مکانیسم ماشه» بیش از آن‌که کابوسی اقتصادی باشد، بهانه‌ای برای آزمودن توان سیاست‌گذاری داخلی است. اگر اقتصاد ایران در سال‌های گذشته توانسته است با سخت‌ترین تحریم‌های آمریکا و اروپا به مسیر خود ادامه دهد، امروز نیز با برنامه‌ریزی درست و پرهیز از بزرگ‌نمایی تهدیدها می‌تواند از این مرحله عبور کند. پرسش اصلی پیش‌روی دولت چهاردهم این است که کدام مسیر را برمی‌گزیند: ادامه‌ی نگاه به بیرون، یا بازگشت به راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها و تکیه بر توان ملی؟

مکانیسم ماشه چیست و چرا این قدر مناقشه برانگیز شده است؟

نام مکانیسم ماشه (Trigger Mechanism) در سال‌های اخیر بارها در صدر اخبار بین‌المللی قرار گرفته است؛ بندی در توافق هسته‌ای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که اجازه می‌دهد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، بدون نیاز به رأی‌گیری مجدد و بدون امکان وتو، دوباره فعال شوند. پرسش اصلی این است: این سازوکار چگونه عمل می‌کند، چرا آمریکا به سراغ آن رفت و چه پیامدهایی برای ایران و نظم بین‌المللی دارد؟

ریشه‌های مکانیسم ماشه

در مذاکرات وین (۲۰۱۵)، ایالات متحده توانست بندی در برجام بگنجاند که در صورت تخلف ایران از تعهدات هسته‌ای، همه تحریم‌های پیشین به‌طور خودکار بازگردند. این بند برای جلوگیری از مانع‌تراشی احتمالی روسیه و چین در شورای امنیت طراحی شد. به بیان ساده، «ماشه» ابزاری است که با کشیدن آن، شش قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه ایران دوباره زنده می‌شوند.

ارتباط با تحریم تسلیحاتی ایران

بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم تسلیحاتی ایران قرار بود ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ پایان یابد. آمریکا که نتوانست در شورای امنیت رأی کافی برای تمدید آن بگیرد، به سراغ مکانیسم ماشه رفت. با فعال‌سازی این بند، همه تحریم‌ها از جمله تحریم تسلیحاتی بازمی‌گردند و عملاً فروش یا خرید سلاح برای ایران غیرممکن می‌شود.



چالش حقوقی: آیا آمریکا صلاحیت دارد؟

مسئله اصلی اختلاف برانگیز، جایگاه آمریکا پس از خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ است. اروپا، روسیه و چین می‌گویند آمریکا چون از توافق خارج شده، دیگر «شرکت‌کننده» نیست و حقی برای استفاده از مکانیسم ندارد.

آمریکا: استدلال می‌کند

خروجش از «برجام» به معنی خروج از «قطعنامه ۲۲۳۱» نیست؛ چون در آن قطعنامه به‌عنوان «شرکت‌کننده» شناخته شده است و این جایگاه دائمی است. این جدال حقوقی، میدان اصلی منازعه را شکل داده است.

مکانیسم ماشه چه تحریم‌هایی را بازمی‌گرداند؟

اگر ماشه فعال شود، همه تحریم‌های شورای امنیت از سال ۲۰۰۶ بازمی‌گردند. این شامل ممنوعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران فراتر از محدودیت‌های برجام، تحریم کامل تسلیحاتی، ممنوعیت انتقال

اقدام حساس به ایران، محدودیت‌های شدید علیه افراد و نهادهای مرتبط با برنامه موشکی و هسته‌ای ایران و الزام کشورها به بازرسی کشتی‌ها و محموله‌های ایران. به عبارت دیگر، بازگشت به دوران «ایران تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل».

پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک

فعال شدن مکانیسم ماشه فقط ایران را هدف نمی‌گیرد، چرا که ساختار شورای امنیت را هم با بحران روبه‌رو می‌کند:

حق وتو بی‌اثر می‌شود، چون بازگشت تحریم‌ها خودکار است. اعتبار شورای امنیت به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری تضعیف خواهد شد.

شکاف عمیق میان آمریکا و متحدانش (اروپا) آشکارتر می‌شود.

خطر یکجانبه‌گرایی آمریکا بیشتر می‌شود؛ واشنگتن می‌تواند به‌طور مستقل تحریم‌هایی فراتر از چارچوب سازمان ملل اعمال کند.

حتی جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا و از منتقدان برجام، هشدار داده است که اقدام ترامپ می‌تواند ضربه‌ای دائمی به شورای امنیت وارد کند.

حقیقت مکانیسم ماشه چیز دیگریست

«مکانیسم ماشه» در اصل ابزاری فنی برای تضمین پایبندی ایران به برجام بود، اما امروز برای جدال قدرت‌های جهانی استفاده می‌شود. آمریکا آن را ابزاری برای فشار حداکثری می‌بیند، در حالی که اروپا، روسیه و چین آن را تهدیدی برای نظم حقوقی بین‌المللی می‌دانند. هرچند که اروپا قدرت تقابل با آمریکا را ندارد. این مکانیسم فراتر از ایران است و سرنوشت آن می‌تواند آینده شورای امنیت و جایگاه حق وتو را نیز تعیین کند. به همین دلیل، فعال‌سازی یا ناکامی آن یکی از جدی‌ترین منازعات دیپلماتیک پس از جنگ جهانی دوم قلمداد می‌شود.



سلام رایین‌هود! (از اقتصاد شرطی تا اقتصاد اسلامی)

سید سهیل موسوی

کارشناسی فقه و حقوق اسلامی

تقریباً نود و نه درصد از اصلی‌ترین دغدغه‌های امروز مردم ایران را مسئله‌ی اقتصاد در بر می‌گیرد. به این معنا که امروز کمتر می‌توان فردی را در جامعه‌ی ایران یافت که درگیر مسائل اقتصادی نباشد. تا آن‌جا که بخش قابل‌توجهی از اذهان درگیر این پرسش شده‌اند که فردا قیمت اجناس قرار است چه‌قدر تغییر کند؛ گران‌تر می‌شود یا، به امید خدا، ارزان‌تر؟

از سوی دیگر، چه خواهیم و چه نخواهیم، گفت‌وگوهای روزمره‌ی ما درگیر مسائل اقتصاد داخلی است؛ اما نه به‌عنوان آینده‌ای مثبت، بلکه به‌عنوان بحرانی در حوزه‌های مسکن، طلا و دلار شناخته می‌شود. شواهد موجود نیز از نبود ثبات و امنیت اقتصادی گسترده در زندگی مردم حکایت دارد.

اقتصاد اسلامی با وجود گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران، تاکنون هیچ‌گونه سیاست‌گذاری مثبت و پایداری که بخواهد در میدان عمل و بر پایه‌ی مبانی اسلامی در حوزه‌ی اقتصاد اجرا شود و تأثیر مثبتی در زندگی و معیشت مردم داشته باشد، شکل نگرفته است.

در اینجا با چند پرسش محوری روبه‌رو هستیم:

۱. یکی از اصلی‌ترین پایه‌ها و مبادی اقتصادی در جامعه‌ی امروز ما، بانک‌ها هستند؛ آیا ما امروز بانکداری اسلامی داریم؟

۲. کدام‌یک از مبادی و پایه‌های اقتصادی ما واقعاً اسلامی است؟

۳. آیا مفهوم اسلام و اقتصاد اسلامی با توجه به اصول روز و مقتضیات زمان، قابلیت اجرایی دارد یا خیر؟ در صورت آری، چگونه باید اجرا شود؟

تا امروز نه‌تنها گفت‌وگو و مجادله‌ی قابل‌توجهی درباره‌ی این پرسش‌ها صورت نگرفته است که بتواند به سیاست‌گذاری پایدار اسلامی در میدان عمل بینجامد، بلکه مفاهیم مرتبط با اقتصاد اسلامی نیز با توجه به مسائل روز بازتعریف نشده‌اند.

داستان شبیه حکایت فرد نابینا و تاسی است که یک تار مو ندارد و با رفتن به کله‌پزی محل، از کله‌پز می‌خواهد موی سرش را مدل‌دار و تازه دیزاین کند!

اقتصاد شرطی

اقتصاد شرطی گاهی مربوط به یک کالا می‌شود و گاهی به یک شخص، به‌اصطلاح، به یک «سلطان».

ایران کشوری است با بی‌نهایت فرصت طلایی اقتصادی؛ سخنی که ادعا نیست، بلکه حقیقتی متواتر است و همه‌ی اقتصاددانان و تحلیلگران بر آن تأکید دارند. به‌گواه تاریخ، از اصلی‌ترین دلایل استعمار ایران در ادوار گذشته و امروز، از سوی دولت‌های خارجی، همین فرصت‌های

طلایی اقتصادی و موقعیت‌های فوق‌العاده، استراتژیک و تعیین‌کننده در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، همچون تنگه‌ی هرمز، بوده است. منابع و معادن، که جای خود دارند.

ECONOMY-



برای مطالعه‌ی دقیق‌تر درباره‌ی این موضوع، کتاب نفت و خون پیشنهاد می‌شود. با وجود این توضیحات، اگر در جهان امروز نفت را از اقتصاد ایران حذف کنیم یا فروش و مسائل مرتبط با این کالا دچار مشکل شود، چنان‌که در دوران تحریم هستیم، امنیت اقتصادی کشور با بحران روبه‌رو خواهد شد. اما پرسش این است: در جامعه‌ای که ادعای اسلامی بودن دارد، چگونه افرادی با عنوان «سلطان» شکل می‌گیرند؟ با کدام قاعده‌ی اسلامی یا فقهی وجود این افراد قابل توجیه است؟

ماشاءالله چه قدر هم تنوع دارند این سلاطین اقتصادی! از «سلطان گندم» گرفته تا «سلطان موز»، «سلطان غلات» و... و هیچ‌گونه پاسخ منطقی‌ای از سوی مسئولان ارائه نمی‌شود.

نکته‌ی قابل توجه دیگر آن است که هرگاه مسئله‌ای اقتصادی مطرح می‌شود و پیگیری‌ها آغاز می‌گردد، هر نهادی تقصیر را به گردن دیگری می‌اندازد؛ یکی می‌گوید مشکل از وزارت صمت است، دیگری مجلس را متهم می‌کند، و دیگری دولت را.

در این میان، معاندان داخلی و خارج‌نشین نیز از فرصت استفاده می‌کنند تا رهبری و ولایت فقیه را مورد حمله قرار دهند، درحالی‌که طبق قانون اساسی، ریشه‌ی این مشکلات به رهبری بازمی‌گردد.

اما چون مردم زیر فشار اقتصادی سنگینی قرار دارند و بصیرت‌افزایی و جهاد تبیین در جامعه کم‌رنگ است، گاه این تبلیغات را می‌پذیرند. اگر مسئولان به فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب گوش داده بودند، جایی برای نگرانی نبود.

مقام معظم رهبری:

«در وضع کنونی، مذاکره با آمریکا هیچ سودی ندارد؛ سود که ندارد هیچ، ضررهای بزرگ و جبران‌ناپذیری هم دارد.» (۱ مهر ۱۴۰۴)

سرکار خانم دکتر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت:



«پیشنهاد مذاکره‌ی مستقیم با آمریکا دادیم، ویتکاف سر قرار نیامد.» (۹ مهر ۱۴۰۴)

در پاسخ به خانم دکتر باید گفت: به بزرگواری خودتان بیخشید؛ راستش بنده خدا در خواستتان را ندید، همان‌طور که ده سال پیش همفکرانتان،

آن عزیزانی را که سرباز نظام، البته سرباز نظام استکبار خوانده شدند، ندیدند. همان‌طور که اسنپ‌بک و متن برجام را ندیدند، این یکی را هم ندیدند!

در این میان، به نظر می‌رسد مردم باید بنشینند تا رابین‌هودی اقتصادی پیدا شود که با این سلاطین برخورد کند.

خدایا، برسان رابین‌هودی را!!

فاطمه عمادی مقدم

کارشناس شیمی محض

اسنپ‌بک؛ تحریم یا فساد؟

این روزها آنچه بسیار مورد بحث و توجه قرار گرفته، مسئله‌ی اقتصاد، مکانیسم ماشه و موضوع «اسنپ‌بک» است.

مکانیسم ماشه، سازوکاری دیپلماتیکی است که در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت، برای تأیید برجام گنجانده شده است. بر اساس

این سازوکار، اگر یکی از طرف‌های مذاکره‌کننده در برجام ادعا کند که کشور مقابل به‌طور اساسی به تعهدات هسته‌ای خود پایبند نیست، می‌تواند این موضوع را به شورای امنیت ملی گزارش دهد. در این صورت، به‌طور قانونی «ماشه» کشیده می‌شود و شورای امنیت ملی قطعنامه‌ای برای ادامه‌ی تعلیق تحریم‌ها تصویب نمی‌کند؛ در نتیجه تحریم‌ها طی فرایندی با عنوان «اسنپ‌بک» به حالت سابق بازمی‌گردند.

حال، آیا واقعاً برجام و تعهد به تعلیق

فعالیت‌های هسته‌ای کشور و حتی بتن‌ریزی در نیروگاه‌های داخلی طی سیاست دولت منفور و اصلاح‌طلب آقای روحانی، نتیجه‌ای در بهبود تحریم‌ها و اقتصاد داشت؟

پاسخ به این پرسش را باید در تجربه‌ی شما و آنچه در این چند سال بر کشور گذشت، جست‌وجو کرد.

باین‌تفاسیر، دولت چهاردهم کنونی نیز همان سیاست‌های دولت روحانی را در پیش گرفته و همچنان راه‌حل رفع مشکلات اقتصادی کشور را در تعامل با غرب می‌داند. رئیس‌جمهور بی‌برنامه، آقای پزشکیان، نه‌تنها از تجربه‌ی برجام عبرت نگرفته، بلکه اخیراً به‌دنبال پذیرش مشروط (CFT) است؛ در واقع، وی می‌کوشد که میان جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی، امتیاز دیگری به غرب بدهد.

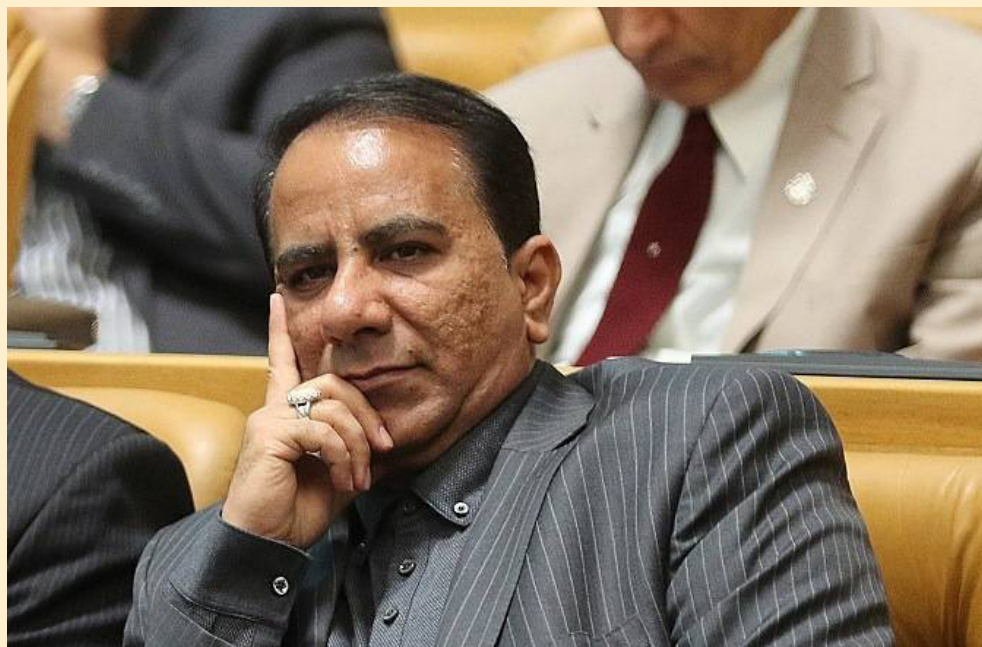
به گفته‌ی نماینده‌ی انقلابی و پرتلاش مردم تهران، جناب آقای ثابتی، در صحن علنی مجلس، در ۹ مهرماه ۱۴۰۴، رئیس‌جمهور باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد. ایشان مدعی شدند که «اسنپ‌بک» واقعی در اقتصاد ایران، «فساد بانک آینده» است؛ بانکی که سال گذشته ۳۵۰ همت زیان انباشته داشت و این عدد امسال به ۴۵۵ همت رسیده است.

سؤال اینجاست که چرا آقای پزشکیان چند بار با مهدی جهانگیری و علی انصاری که از مفسدان مالی شناخته شده‌اند، دیدار خصوصی داشته است؟



باید دانست که بانک مرکزی در دولت شهید رئیسی عزیز، طی نامه‌ای محرمانه اعلام کرده بود عملکرد بانک آینده مصداق «خلل در نظام اقتصادی کشور» است. باین‌حال، متأسفانه آقای پزشکian تاکنون هیچ اقدام جدی در این زمینه انجام نداده است.

باید هوشیار بود و دانست که تنها راه‌حل مشکلات، درون کشور است، نه در دست غرب و نه با دادن امتیازهای غیرهوشمندانه به آنان. درست است که دولت فعلی از تجربیات گذشته عبرت نمی‌گیرد، اما برای ملت آگاه و شریفمان، این تجربه باید



درسی شود تا بدانند رأی اشتباه و فریب خوردن از سخنان خوش‌رنگ و لعاب، چه مشکلاتی در ادامه‌ی اداره‌ی کشور ایجاد می‌کند.

آقای پزشکian پیش از انتخابات مدعی بود «برنامه‌ی خاصی ندارم و برنامه‌ی من برای اداره‌ی کشور همان برنامه‌ی هفتم است». اما پس از گذشت بیش از یک سال از آغاز به‌کار دولت، به گفته‌ی آقای ثابتی، رئیس‌جمهور طی نامه‌ای عنوان کرده است که «بخش‌های زیادی از برنامه‌ی هفتم را نمی‌توانم اجرا کنم».

این امر نشان می‌دهد که متأسفانه صادقانه با مردم رفتار نکرده است. اکنون تقریباً تمامی نمایندگان، از طیف‌های مختلف سیاسی، از این رویکرد دولت گلایه‌مندند.

مشکلات اقتصادی تا زمانی که دولت سیاست‌های اشتباه خود را در پیش گیرد، همچنان پابرجا خواهد ماند.



وضعیت اقتصادی فعلی

شاید پرسش دائمی که ذهن مردم را درگیر کرده و هنوز پاسخی دلخواه برای آن نیافته‌اند، این باشد که مسئول شرایط فعلی کشور کیست؟

کدام مسئول یا نهاد در وضعیت اقتصادی فعلی نقش مستقیم دارد؟ چرا راه حل دائمی برای مشکلات اقتصادی کشور پیدا نمی‌شود؟

این‌ها تنها بخشی از هزاران پرسشی است که ذهن مردم را به خود مشغول کرده و همان‌طور که گفته شد، هنوز پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن نیافته‌اند.

حدود یک سال و چند ماه از آغاز به کار دولت چهاردهم می‌گذرد و طبعاً باید اقداماتی صورت می‌گرفت تا مردم بتوانند نتایج آن را در زندگی خود لمس کنند. البته مردم در این مدت چیزهای زیادی را در زندگی خود لمس کرده‌اند!

قطعی مکرر برق که زندگی میلیون‌ها نفر به آن وابسته است، نوسان شدید در قیمت دلار که در همین روزهای اخیر رکورد تاریخی ۱۱۷ هزار تومان را تجربه کرد (رقمی بی‌سابقه در تاریخ دولت‌ها)، افزایش شدید قیمت طلا و سکه، تا جایی که امروز قیمت یک گرم طلا با حقوق ماهانه‌ی یک کارمند برابری می‌کند و هزاران مشکل دیگر که شمارش آن‌ها ممکن نیست.

بنابراین، می‌توان گفت مردم تغییرات زیادی را در زندگی خود لمس کرده‌اند و هنوز هم لمس می‌کنند. اکنون، این پرسش مطرح است که دولت یا نهادهای مربوطه چه راه‌حلی برای برون‌رفت از این وضعیت پیش‌بینی کرده‌اند؟ زیرا اگر همین روند ادامه یابد، سفره‌ی مردم روز‌به‌روز کوچک‌تر خواهد شد. در یکی دو روز اخیر، یکی از مقامات بلندپایه‌ی دولتی درباره‌ی مسائل اقتصادی گفته است: «به جایی رسیده‌ایم که توانایی تولید یک میلیارد دلار پول را نداریم.» وقتی حتی مقامات دولتی به چنین وضعی اذعان می‌کنند، مشخص است که در شرایط فعلی برنامه‌ای مؤثر برای مهار تورم و گذر از شرایط اسفبار اقتصادی وجود ندارد. انتظار می‌رفت در این یک سال، دست‌کم تدابیری برای کنترل قیمت‌ها اندیشیده شود تا مردم به اقدامات دولت در آینده امیدوار باشند؛ اما افزایش افسارگسیخته‌ی قیمت‌ها خیلی زود برای عموم جامعه روشن کرد که نباید انتظار بهبود شرایط در وضعیت کنونی را داشت.

البته این گرانی‌ها، بیش از آن‌که بار اقتصادی داشته باشند، بار روانی بر جامعه تحمیل می‌کنند. برای نمونه، با انتشار خبر فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، که دست‌پخت دوستان در وزارت خارجه‌ی دولت دوازدهم است، موجی از شایعات پیرامون افزایش قیمت دلار، طلا، سکه و انواع کالاها در جامعه می‌پیچد. این وضعیت، خودبه‌خود به التهاب موجود دامن می‌زند و عده‌ای نیز از شرایط پیش‌آمده نهایت سوءاستفاده را می‌کنند. اینکه هم‌زمان با پخش شایعات، قیمت دلار زیر و رو می‌شود، پرسشی جدی پیش می‌آورد:

آیا بخشی از اقتصاد کشور به شایعات وابسته است که با انتشار آن‌ها، قیمت‌ها چنین دستخوش تغییر می‌شوند؟ بنابراین، مهم‌ترین پرسشی که در شرایط فعلی پیش می‌آید، این است که آیا دولت نظارتی بر بخش‌های اقتصادی دارد؟

البته نباید از یاد برد که بخش مهمی از مشکلات فعلی، ریشه در امضای «معاهده‌ی ننگین برجام» دارد؛ معاهده‌ای یک‌طرفه که زبانی خالص برای کشور به همراه داشت و نزدیک به ده سال از عمر یک کشور را هدر داد. کسانی که با ساده‌لوحی تمام، زیر بار آن شرایط رفتند، هنوز هم از برجام به‌عنوان یک «دست‌آورد بزرگ» یاد می‌کنند! درحالی‌که بخش قابل‌توجهی از شرایط کنونی و مشکلات اقتصادی، به همان دوران سیاه بازمی‌گردد. می‌توان گفت تا زمانی که همان تفکر «اعتماد به غرب» در میان برخی مسئولان وجود دارد، نباید انتظار داشت کشور با چنین طرز تفکری بتواند به این زودی‌ها از بحران اقتصادی خارج شود.

اقتصاد تحریم‌ها و اثرات روانی آن بر رفتار مصرف‌کننده در جوامع در حال توسعه

تحریم‌های اقتصادی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار سیاسی و اقتصادی در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. این تحریم‌ها نه تنها ساختار اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه از نظر روانی نیز رفتار مصرف‌کننده را دگرگون می‌سازند. در این مقاله، با نگاهی میان‌رشته‌ای به اقتصاد و روان‌شناسی اجتماعی، اثرات تحریم‌ها و مکانیسم ماشه بر ذهنیت اقتصادی، الگوی مصرف، تورم، رفتار سوداگرانه و اعتماد اجتماعی بررسی می‌شود. در پایان، راهکارهایی علمی برای مدیریت اثرات روانی تحریم‌ها و حرکت به سوی اقتصاد تطبیقی ارائه می‌گردد.

تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری غیرنظامی اما مؤثر برای اعمال فشار سیاسی، در دهه‌های اخیر گسترش یافته‌اند. اصطلاح «مکانیسم ماشه» (Trigger Mechanism) به فرآیندی اشاره دارد که بر اساس آن، در صورت نقض توافقات بین‌المللی، تحریم‌ها به صورت خودکار باز می‌گردند. در حالی که تحلیل‌های سیاسی بر پیامدهای بین‌المللی این پدیده تمرکز دارند، اثرات روانی و اجتماعی تحریم‌ها بر رفتار مصرف‌کننده کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.



در شرایط تحریم، ذهنیت اقتصادی جامعه دچار تغییر می‌شود؛ مردم احساس نااطمینانی می‌کنند، الگوهای مصرفی دگرگون می‌گردد و اعتماد به ثبات اقتصادی کاهش می‌یابد. این مقاله می‌کوشد با تکیه بر مفاهیم اقتصاد رفتاری نشان دهد که تحریم‌ها چگونه بر رفتار مصرفی و روان جمعی جامعه اثر می‌گذارند.

۱. ذهنیت اقتصادی در دوران تحریم

اولین واکنش جامعه به تحریم‌ها معمولاً روانی است، نه اقتصادی. مردم در برابر تهدید کمبود کالا یا افزایش قیمت‌ها، رفتارهای احساسی نشان می‌دهند؛ از جمله خرید هیجانی،

احتکار خانگی و تبدیل دارایی نقدی به طلا یا ارز.

این رفتارها برخاسته از احساس نااطمینانی است، نه از منطق اقتصادی. در جوامعی که سابقه تورم یا بی‌ثباتی دارند، این واکنش‌ها شدیدتر است. در نتیجه، حتی پیش از آن‌که بازار واقعاً دچار کمبود شود، خود ترس از کمبود می‌تواند موج تورمی ایجاد کند.

۲. تغییر الگوی مصرف و فرصت‌های داخلی

تحریم‌ها معمولاً واردات را کاهش داده و مردم را به سمت مصرف کالاهای بومی سوق می‌دهند. این تغییر، در ظاهر به نفع تولیدکنندگان داخلی است، اما چالش‌هایی نیز به همراه دارد.

از یک سو، صنایع داخلی فرصت رشد و نوآوری پیدا می‌کنند؛ از سوی دیگر، کمبود فناوری و مواد اولیه ممکن است کیفیت محصولات را کاهش دهد.

بنابراین، حمایت هدفمند دولت و تقویت زنجیره تأمین داخلی می‌تواند تحریم‌ها را از تهدید به فرصت تبدیل کند.

۳. تورم و رفتار سوداگرانه

افزایش هزینه‌های مبادله، کاهش صادرات و دشواری واردات، معمولاً منجر به تورم می‌شود. در چنین شرایطی، بخشی از جامعه با هدف حفظ ارزش دارایی‌های خود به فعالیت‌های سوداگرانه روی می‌آورند، از جمله خرید ارز، طلا، خودرو یا ملک.

در مقابل، اقشار کم‌درآمدتر با فشار روانی و کاهش قدرت خرید مواجه می‌شوند. این شکاف اقتصادی، زمینه‌ساز شکاف اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی است. از این منظر، تحریم‌ها نه فقط اقتصاد، بلکه انسجام اجتماعی را نیز تهدید می‌کنند.

۴. نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی ذهنیت عمومی

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دوران تحریم نقشی تعیین‌کننده دارند. انتشار اخبار نادرست درباره‌ی کمبود کالا یا فعال‌شدن مکانیسم ماشه می‌تواند باعث هجوم مردم به بازار شود و بحران روانی ایجاد کند.

در مقابل، اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع از سوی نهادهای رسمی می‌تواند از گسترش اضطراب عمومی جلوگیری کند. سیاست اطلاع‌رسانی اقتصادی باید بر پایه‌ی شفافیت، اعتماد و آموزش مالی عمومی طراحی شود.

۵. راهکارهای علمی برای مدیریت اثرات روانی تحریم‌ها

برای کاهش اثرات روانی و رفتاری تحریم‌ها، سیاست‌گذاران باید از یافته‌های اقتصاد رفتاری استفاده کنند. برخی راهکارهای مؤثر عبارت‌اند از:



افزایش شفافیت اقتصادی: ارائه‌ی آمار دقیق و منظم از وضعیت کالا، تورم و رشد اقتصادی.

ترویج سواد مالی: آموزش مردم در زمینه‌ی مدیریت دارایی در شرایط بحرانی.

تقویت اعتماد اجتماعی: از طریق سیاست‌های ثابت و غیرمتناقض اقتصادی.

حمایت از استارت‌آپ‌ها و تولیدکنندگان نوآور: استفاده از فناوری برای کاهش هزینه‌ها و وابستگی به خارج.

استفاده از ابزارهای فرهنگی برای ترویج مصرف کالای داخلی: به‌جای اجبار اقتصادی، باید حس افتخار و اعتماد

به تولید ملی را تقویت کرد.

۶. از اقتصاد مقاومتی تا اقتصاد تطبیقی

تجربه‌ی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که تداوم تحریم‌ها می‌تواند دو مسیر متفاوت ایجاد کند: فروپاشی

اقتصادی یا شکل‌گیری «اقتصاد تطبیقی» (Adaptive Economy).

در اقتصاد تطبیقی، جامعه یاد می‌گیرد با محدودیت‌ها سازگار شود، نوآوری را جایگزین واردات کند و الگوهای

مصرف خود را بازتعریف نماید.

اما این فرایند تنها در صورت وجود سیاست‌گذاری شفاف، حمایت هدفمند از تولید و حفظ اعتماد اجتماعی

امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

تحریم‌ها تنها ابزار فشار اقتصادی نیستند، بلکه پدیده‌ای روانی و اجتماعی‌اند که رفتار مصرف‌کننده را در سطوح

مختلف تغییر می‌دهند. اگر دولت‌ها و نهادهای اقتصادی بتوانند ذهنیت عمومی را با سیاست‌های شفاف و

آگاهانه مدیریت کنند، اثرات تحریم‌ها کاهش یافته و حتی می‌تواند به فرصتی برای خودکفایی و نوآوری تبدیل

شود.

شناخت سازوکار روانی مردم در شرایط تحریم، گامی

اساسی برای حرکت از «اقتصاد اضطراری» به‌سوی

اقتصاد پایدار و تطبیقی است.

منابع پیشنهادی برای استناد:

۱. Kahneman, D. (۲۰۱۱). *Thinking, Fast*

and Slow

۲. Tversky, A., & Kahneman, D. (۱۹۷۴).

Judgment under Uncertainty: Heuristics

and Biases

۳. Baldwin, R., & Evenett, S. (۲۰۲۰).

and Trade Policy: Why ۱۹-COVID

Turning Inward Won't Work

۴. Hufbauer, G., Schott, J., & Elliott, K.

Economic Sanctions (۲۰۰۹).

Reconsidered

۵. Alesina, A., & Giuliano, P. (۲۰۱۵).

Culture and Institutions



صلح ترامپ؛ پیشواز تحولات آتی

کیارش عزیزی

دکتری دامپزشکی

شاید امروز که دنیا در مدرنیته‌ترین حالت خود قرار دارد، از ارزش‌های انسانی نظیر صلح و عدالت، که کرامت بشریت است، چیزی جز ویتترین باقی نمانده باشد. کشورهایی که خود را غرق در پیشرفت صنعتی و اقتصادی «پرپول» می‌دانند، نه تنها اندک بهایی برای انسانیت حقیقی قائل نیستند، بلکه با جبهه‌هایی که در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و نسل‌کشی‌های وحشیانه ایستاده‌اند، ژست قهرمان می‌گیرند و خود را مدافع حقوق انسانیت می‌دانند. البته تعریف آن‌ها از انسانیت، امروزه صرفاً جان صهیونیست‌هاست. هر جا جان آن‌ها مورد تهدید باشد، انسانیت قدرت‌های سلطه‌گر قلقلک داده می‌شود و دست‌وپای خود را گم می‌کنند تا مبادا خط و خشی بر این باند نژادپرست و از خدایی خبر بیفتد.



پیش‌تر، مقام بلندپایه‌ی آلمانی رسماً مدعی شد که این توده‌ی سرطانی در حال پیاده‌سازی برنامه‌های شوم غرب برای دنیاست و حمایت همه‌جانبه‌ی غرب از رژیم صهیونیستی ناشی از منفعت‌طلبی‌هایی است که ریشه در فرهنگ فئودالیسم جوامع غربی دارد. حال فکر کنید این فئودال‌های کراواتی، امروز خود برده‌ی یک متوهم شده‌اند و کدخدایشان شارلاتان دیگری است.

درست در همین راستا، سگ‌هاری کدخدای غرب

شده است که متعفن‌ترین ژست انسانیت و صلح را نمایندگی می‌کند و شعور مردم دنیا را به سخره گرفته است. پرزیدنت زردمو که از اختلال خودشیفتگی رنج می‌برد، مدام توهمات خود را تکرار می‌کند. نابودی نظام هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تکه‌کلام او و صلح‌طلبی، پرستیژ متوهمانه‌ی او شده است. هر جا در اهداف خود و نوچه‌هایش درجا می‌زند، مدام کتوشلوار صلح را بر تن می‌کند و خود را شایسته‌ی نوبل صلح می‌داند. انگار تماشاگر کم‌دی‌های چاپلین هستیم: کم‌دی صلح و انسانیت. خنده‌دار است.

اکنون نیز مدعی طرح صلحی شده است که جنگ را پایان دهد؛ اما پشت پرده‌ی این طرح، متمرکز کردن اسرائیل بر روی جبهه‌ی ایران است. پس از آن‌که در عملیات قبلی خود به هدف ساقط کردن نظام ایران توفیق نیافتند، قصد دارند با حذف تمرکز نظامی بر غزه و یمن، این بار با تمام قوای خود به سراغ رهبری جبهه‌ی مقاومت بروند. این همه تسلیحات گسیل‌شده به اسرائیل، بیانگر «صلح بزرگ خاورمیانه» است؟ آن هم برای کسی که معتقد به صلح از طریق قدرت است؟

می‌توان پیش‌بینی کرد که برای تضعیف بیشتر جبهه‌ی مقاومت، یمن و عراق اهداف بعدی خواهند بود تا مسیر مقابله با ایران تسهیل شود. فشارهایی که همراه با دولت غرب‌زده‌ی لبنان بر حزب‌الله وارد می‌شد، به لطف خدا تا بدین‌جا ناکام مانده و محتمل است غافلگیری‌ها و تحرکاتی از حزب‌الله این روزها ببینیم. حزب‌الله که به زعم نگارنده در حال آماده‌سازی و رفع موانع خود است و عدم دخالت آن‌چنانی در نبرد پیشین ایران و رژیم، مهر تأییدی بر این فرضیه است. تمرکز جمهوری اسلامی بر مسائل لبنان و تجربه‌ای که از سقوط دولت

همگام سوریه گرفته شده، از سفرهای مکرر دبیر شعام به این کشور مشهود است.



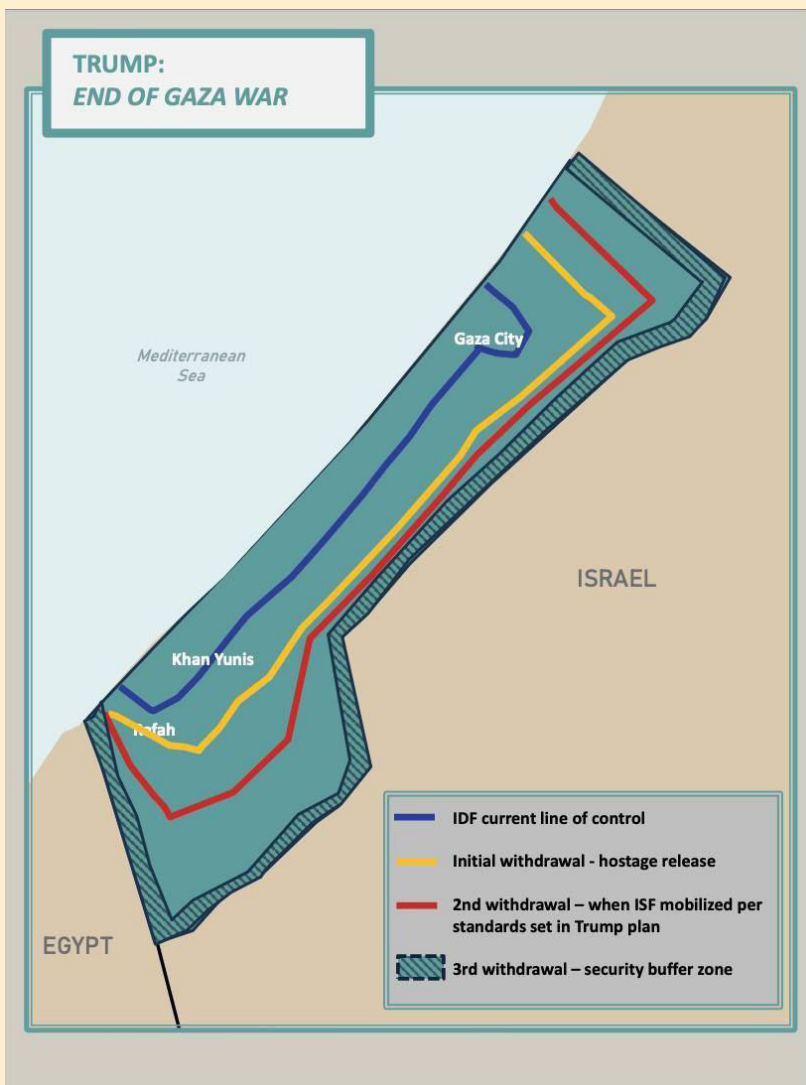
کم‌کم جهان باید آماده‌ی کارت نهایی قدرت‌ها در این بازی حساس باشد. به زعم بسیاری از تحلیلگران، تا پایان سال ۲۰۳۰، آینده‌ی نظم نوین جهانی مشخص می‌شود؛ این روزها بسیار تعیین‌کننده است و نباید در تله‌ی فریب دشمنی بیفتیم که زیور گردنش، بدقولی و بی‌اخلاقی است.

چین و روسیه نیز در رژه‌ای که چندی پیش برگزار شد، آمادگی کامل خود برای شرکت در این نبرد سرنوشت‌ساز را به زعم بلوک غرب رسانده‌اند. ارسال تسلیحات نظامی آن‌ها به ایران و نیز اعلام عدم اعتقاد به مکانیسم ماشه،

مشخص‌کننده‌ی خط‌مشی آن‌ها در این نبرد قدرت‌هاست. گرچه روسیه به خوبی می‌داند که درگیری با ناتو اجتناب‌ناپذیر است و چندی پیش، در راستای محک زدن آن‌ها، اقدامات ایدئایی انجام داد. چین نیز خود را برای مقابله با تهدیدات تایوان آماده می‌کند و به خوبی می‌داند آمریکایی‌ها، چه در عرصه‌ی اقتصادی و چه نظامی، دست‌به‌فشنگ شده‌اند و می‌خواهند با تغییر معادلات نبرد، کریدورها را به سود خود تمام کنند و از تغییرات معادلات جلوگیری نمایند. تمامی این رویدادها در راستای تعیین نظم نوین و پایان عصر تک‌جانبه‌گرایی آمریکایی‌هاست.

حال بهتر می‌توان تعبیر مقام معظم رهبری از «نوک قله» را درک کرد و متوجه شد که آری، تا نوک قله چیزی باقی نمانده است. گرچه گردنه‌ی قله مسیری سخت‌تر و نفس‌گیرتر است، اما رسیدن به نوک قله، نفس‌راحتی است که به‌سوی آینده‌ی این سرزمین رهسپار می‌شود.

به امید خدا، این قدرت‌های پلید و غرب وحشی در نقشه‌های شوم خود غرق خواهند شد و در نهایت ایران عزیز پابرجا و مقاومت شریف پیروز خواهد بود.



مکانیسم ماشه؛ باج اروپا به خواسته‌های ارباب

این روزها بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و چکاندن «ماشه» از جانب تروئیکای اروپایی، بحث داغ سیاست خارجی کشور ما و منطقه‌ی غرب آسیا است؛ رویدادی که نه‌تنها یک اقدام حقوقی باطل است و کشورهایی نظیر روسیه و چین با آن مخالفت کرده‌اند، بلکه فشاری آشکار و روشن بر اقتصاد و بازار ایران وارد آورده و با ایجاد تنش روانی در فضای کشور، نوعی ناامیدی و فضای منفی به جامعه‌ی ایران تزریق کرده است. تأثیرات مکانیسم ماشه بر قدرت خرید مردم را نمی‌توان نادیده گرفت؛ لکن این تأثیر بیش از آن‌که حاصل تحریم‌های جدید باشد، نتیجه‌ی جوّ روانی حاکم بر جامعه است که با القای ناامیدی نسبت به آینده‌ی بازار، باعث افزایش نرخ کالاهای اساسی می‌شود و آن هم به بهانه‌ی «مکانیسم ماشه». البته باید تأکید کرد که خود فعال‌سازی این مکانیسم، که عملاً بدقولی و بی‌اخلاقی

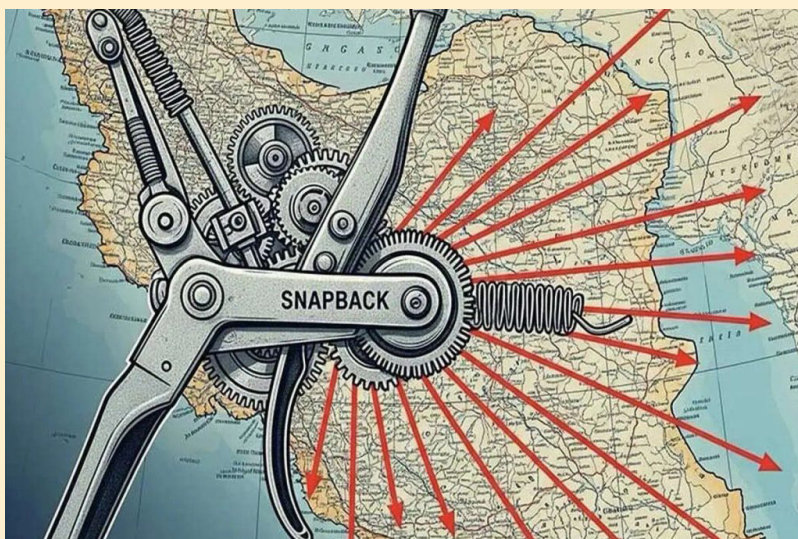


اروپایی‌ها را بیش از پیش تثبیت می‌کند، بی‌گمان بر اقتصاد تأثیرگذار است؛ اما در این مقاله قرار است بر وجهی از قضیه بنگریم که شاید کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد.

همان‌طور که می‌دانید، این روزها رژیم صهیونیستی برای بقا و موجودیت خود در تکاپوست و همچون قورباغه‌ای در باتلاق خودساخته دست‌وپا می‌زند و بیش از پیش دست به دامان پدرخوانده‌ی خویش، آمریکا، شده است. از زمان روی کار آمدن آن «سگ‌هار» در ایالات متحده، او و دولت‌ش چنان وانمود کردند که برای حل مسائل کلان جهانی منتخب شده‌اند و خود را ناجی حق می‌پندارند؛

با ژست و ظاهر صلح‌طلبی در پی نجات فرزند نامشروع خود، اسرائیل، هستند. واقعاً تمسخرآمیز است، «آمریکا و صلح‌طلبی؟»

وقایع جهانی و تغییر پازل قدرت، به‌ویژه در سال‌های اخیر، ما را بر آن داشته که عمیق‌تر به مسائل بنگریم و وقایع سیاست بین‌الملل را زنجیره‌وار ببینیم



تا بتوانیم به درک درستی از حقایق برسیم. آمریکا با تمام توان در حال تضعیف جبهه‌ی مقاومت است؛ جبهه‌ای که کابوس آن‌ها در خاورمیانه بود و عملاً تهدیدی علیه توده‌ی سرطانی صهیون به‌شمار می‌رفت. در راستای همین طرح‌واره، آن‌ها به زیردستان اروپایی خود امر می‌کنند که تحریم‌هایی را علیه ایران عزیز وضع کنند؛ تحریم‌هایی که نه وجاهت قانونی دارند و نه حتی منطق حقوقی؛ بلکه صرفاً بر پایه‌ی فضای جنگی منطقه می‌خواهند اروپاییان نیز قدم خود را برای حفظ اسرائیل بردارند و علاوه بر کمک‌های بی‌سابقه‌ی تسلیحاتی و پدافندی، در عرصه‌ی

اقتصادی نیز به جنگ با ایران بروند. این عمل را نیز با نهایت وقاحت و بهانه‌های واهی «هسته‌ای شدن صنعت نظامی ایران» توجیه می‌کنند تا به فضای فکری دنیا این‌گونه القا کنند که ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است؛ آن‌هم ایرانی که چندی پیش عالی‌ترین مقام حکومتی آن، مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)، صراحتاً اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران بر اساس تعالیم دینی و تمدن اخلاقی خود هرگز در پی سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح‌های هسته‌ای نبوده و نیست؛ لکن بلوک غرب به‌وضوح از این بهانه برای تضعیف جایگاه ایران در منطقه استفاده کرده است که به لطف خداوند متعال و اتحاد مقدس مردم ایران، همچون نبرد میهنی که به هدف اصلی خود، یعنی براندازی نظام، نرسید، در این میدان نیز به هدف خویش دست نخواهند یافت.

پس تا این‌جا درمی‌یابیم که تشدید فشار اقتصادی از طریق اروپا، بخشی از نبرد بلوک غرب با قدرت‌های نوظهور جهانی و جبهه‌ی مقاومت است و آن‌ها کاملاً مطابق میل ارباب خود در راستای حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی قدم برمی‌دارند. حتی جهان نیز دیده و شنیده که چندی پیش صدراعظم آلمان به‌طور علنی اسرائیل را نیروی بلوک غرب برای پیاده کردن اهداف قدرت‌طلبانه‌ی خود اعلام کرد و به‌طور غیرمستقیم مسئولیت جنایات و نسل‌کشی وحشیانه‌ی صهیونیست‌ها را پذیرفت. البته برای هر چشم بصیر و بینش‌دار روشن است که اسرائیل فرزند نامشروع بلوک غرب است و تروئیکای اروپایی نیز به‌قربان گوی ارباب ستمگر آمریکایی‌اند. آمریکایی که در حل بحران‌های اوکراین و غزه ناکام مانده و با ژست صلح‌طلبانه‌ی خود کم‌دی و قیحانه‌ای خلق کرده، چنان‌که با تمام توان خود تسلیحات نظامی به اسرائیل می‌فرستد و و با حمایت تمام‌عیار خود از اسرائیل و نیز با سوءاستفاده از غفلت خودخواسته‌ی رهبران بی‌غیرت کشورهای عربی در قالب پیمان‌نامه‌هایی چون «ابراهیم»، می‌خواهد اسرائیل را از باتلاق نجات دهد؛ غافل از اینکه بیداری جهانی، حامیان مظلومیت غزه و جبهه‌ی شریف مقاومت، به‌ویژه ایران اسلامی، یمن شجاع، حزب‌الله قهرمان و جنبش‌های وزین منطقه، با اتکا به تعالیم اسلام و غیرت و شجاعت خاص خود، نقشه‌های شوم غرب را نقش‌برآب خواهند کرد و به‌زودی منطقه را از شر غده‌ی نحس صهیونی خواهند زدود. ان شاءالله.



این مذاکره است؟!!

طرف آمریکایی می‌خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در کشور ایران باشد... این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحقیر زورگویی و تحمیل آمریکاست. قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت با شرفی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی
۱۳۸۴/۷/۵

۸۸ چرا مقاومت احتمالا اسرا را آزاد خواهد کرد؟!

فشار بر مردم غزه به حدی رسیده است که مقاومت حاضر است به نوعی عقب نشینی دست بزند تا شرایط را برای مردم بهبود ببخشد. اینکه احتمال می رود آنها از برخی سلاح ها مثل خمپاره ها دست بردارند - که البته کلا سلاح سنگین ندارند- یا اسرای رژیم را حتی به یکباره آزاد کنند، به همین خاطر است.

هر چند واضح است که به وعده ترامپ نمی شود اعتماد کرد ولی فرصت هایی هم در این امر خواهد بود چرا که مسأله اسرا بعنوان تنها توجیه تداوم جنگ و مشروعیت بخشی به حملات علیه غزه در رژیم تبدیل شده است ولی اینک نتانیاهو متهم است که جنگ افروزی را بهانه حضور سیاسی خود کرده است و آزادسازی اسرا می تواند این فشار را در داخل علیه او چند برابر کند.

از این رو گرچه بعید نیست، رژیم و آمریکا پس از آزادی اسرا، به بهانه سلاح و... به جنایات خود ادامه دهند ولی به طور کامل بهانه همه اقدامات آنان در چشم همه جهانیان حتی مخالفان حماس هم گرفته خواهد شد و این امید بهبود کمک رسانی برای غزه است که مقاومت اینک آن را برای مردم خود می خواهد.

👉 آیا این به معنای پایان مقاومت است؟ اصلا!

چرا که حماس می داند بدون سلاح نه وضعیت مردم بهبود خواهد یافت نه آزادی فلسطین که مسیری سخت و طولانی است محقق خواهد شد چنانچه تشکیلات خودگردان با ترک سلاح چیزی به دست نیاورده است لذا این گروه به یک جریان پارتیزانی که همواره به نیروهای رژیم ضربه خواهند زد بدل خواهد شد و با کناره گیری کامل از سیاست، بهانه عدم ورود مایحتاج مردم و گرسنگی دادن مردم را خواهد ستاند.

این فداکاری حماس، بخاطر بی عرضه گی نهادهای بین المللی و کشورهای منطقه رخ می دهد والا اگر موج شش ماهه گرسنگی نبود، هرگز اسرا را آزاد نمی کردند تا بتوانند مطالبات خود را معاوضه کنند. البته حالا هم بخش مهمی از اسرای فلسطینی آزاد خواهند شد و مبارزه ادامه خواهد داشت. البته اینکه همین مذاکرات هم بهم بخورد بعید نیست چون جریان تندرو در رژیم همین اندازه را هم نمی خواهد.

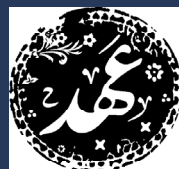


نوع تصاویر انتخابی سایت انتخاب برای داخلی ها را با دشمن و بیرونی ها مقایسه کنید، ترگل ورگل در مقابل خشن و عصبی.

طبق بررسی انجام شده، طی ۲ ماه اخیر؛ از ۱۶ مرداد تا ۱۶ مهر، این میزان عکس نوشته درمورد رهبر انقلاب، ترامپ و نتانیاهو کار کردند:

۹۸ مورد ترامپ
۳۱ مورد نتانیاهو
۵ مورد رهبری!

شناسنامه نشریه



هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دانشجویی عهد

سال: پانزدهم

شماره: ۱۹۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

شماره مجوز: ۳۴۵/ک ن ش

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: فائزه ریاحی

سر دبیر: فائزه ریاحی

هیات تحریریه: سیدسهیل موسوی، فاطمه عمادی

مقدم، علی علیپور، علی عقیدی، کیارش عزیزی،

محمد محمدی

طراح جلد: حسین نژادمقدم

ویراستار: فاطمه محمدی



خدا با ما است

شهادت، پاداش مجاهدت است؛ چه در دفاع هشت ساله،
چه در نبرد قهرمانانه دوازده روزه... مهم آن است که به وعده‌ی الهی
درباره پیروزی حق و زوال باطل یقین کنیم و به وظیفه‌ی خود در نصرت
دین خدا پایبند باشیم.

رهبر انقلاب اسلامی | ۲ مهرماه ۱۴۰۴



راه خدا

امسال، هفته‌ی دفاع مقدّس، با شهادت جمعی از برجستگان مسیر مقاومت اسلامی و جوانان شجاع در نقاط گوناگون، جلوه و شکوه دیگری یافته است. شهادت پاداش مجاهدت است؛ چه در دفاع هشت ساله، چه در نبرد قهرمانانه دوازده روزه، و چه در لبنان و غزه و فلسطین. ملت‌ها با این مجاهد تها رشد میکنند و با این شهادت‌ها جلوه و جلا می‌یابند. مهم آن است که به وعده‌ی الهی درباره‌ی پیروزی حق و زوال باطل یقین کنیم و به وظیفه‌ی خود در نصرت دین خدا پایبند باشیم.

انجمن هویت
KHAMENEI.IR

مهرماه ۱۴۰۲